

«سیر تاریخ نگاری و فلسفه اجتماعی آن»

- ۵ -

((ابن عربشاه مورخ تاریخ تیموری))

مورخان و نقادان تاریخ اسلام آنرا که آثار جاودانی از خود بیادگار گذاشته اند و درباره شخصیت های تاریخی تألیفات بسیار نفیسی دارند. کمتر بحث های تاریخی را مورد بحث و انتقاد قرار داده اند بلکه کوشش آنان بیشتر در فراهم آوردن اطلاعات و چگونگی احوال بزرگان تاریخی بوده است!

چنانکه بزرگترین مورخ اسلامی ابن خلدان میراث تاریخی مهمی از خود گذاشت. شرح احوال بزرگان را بروش بسیار دلگشی در صفحه های تذکره تاریخی خود انعکاس و تجلی داد تاریخ نگاران دیگر که از وی پیروی کردند همین گونه قضیه های تاریخی را مورد بحث قرار داده اند گرچه در گروه مورخان اسلامی نادره هائی یافت شدند که مانند ابن خلدون مورخ بزرگ اسلامی با نظر دقیق انتقادی قضیه های تاریخی را حلاجی کرده و روشن ساخته اند^۱ با تمام اینها قوه تاریخی جایگاه بزرگ داستان تاریخی را نمی گیرد! خصوصاً جای شرح زندگانی «بیوگرافی» مردان تاریخی را خالی می گذارد!

۱- نگاه کنید: الف کتاب مقدمه ابن خلدون ترجمه پروین گنابادی ب سلسله مقالات فلسفه تاریخ و اجتماع- ابن خلدون بقلم مرتضی مدرسی چهاردهی در شماره های سال اول مجله وحید.

بحث و تجزیه و تحلیل انتقادی که داستان تاریخی رادر باره اشخاص روشن سازد در اواخر قرن هشتم هجری بروز کرد و در آخرهای قرن نهم هجری تکمیل گردید. تاریخ نگاران توجه خاصی در شرح احوال و آثار زندگانی مردان تاریخی نمودند، بخصوص در باره تاریخ شهریاران و بزرگان معاصر گفتگو و دقت بیشتری بکاررفت!

همه میدانیم که در قرن هشتم گرفتاری و مصیبت‌های بزرگی دامگیر جهان اسلامی شد! مورخان آن عصر در باره حادثه‌ها، آفت‌های اجتماعی و سیاسی عصر خود بیشتر دقت و تأمل نمودند اثرهای جاودانی و گرانبها در صفحه روزگار گذاشتند، برآستی از بهترین تجلیات خامه مورخان اسلامی بشمار می‌رود بزرگترین حادثه تاریخی آن زمان ظهور تیمور فاتح تاتاری است که چون تندباد اجل کشورهای اسلامی رادر هم نوردید! خرابی‌ها، ویرانی‌های بسیار شرق نزدیک را دچار ساخت پیش از او هلاکو و چنگیز آنهمه بلاها را ایجاد کرده بودند! در حدود نیم قرن کشورهای پهناور اسلامی از سمرقند تا شام در زیر فشار و آزار تیموریان بود! عوامل دلهرگی و ترس بافتوحات تاتار همه جا رافرا گرفت! بطوریکه مورخ اسلامی آن مصیبت‌ها را با چشم خود میدید! در علت‌های حادثه‌ها و خون‌ها دقت بیشتری مینمود! مورخ بزرگ دوره تیموری چگونه گرفتاریها را با چشم خود میدید هم چنین ستاره اقبال تیمور را نگاه می‌کرد که چگونه بروز و ظهور نمود!

نام این مورخ بزرگ اسلامی شهاب‌الدین دمشقی است و بنام ابن عرب‌شاه مشهور گردیده قضاوندرا و را بنام مورخ تاریخ تیموری شناخته!

ابن عرب‌شاه تاریخ زندگانی تیمور و فتوحات او را شیوا و دلکش نوشت، حقاً آثار قلمی او شاهکاری از ادب، نماینده خیال زیبا، ذوق لطیف اوست! يك سند گرانبهای تاریخی بلکه بزرگترین، مهمترین سند عصر تیموری، یا شعر منشور بشمار میرود و انسان را بیاد داستانهای پهلوانان قرون وسطائی اروپا می‌اندازد! این روش داستان تاریخی اسلامی رادر چهره زیبا و دلگشی در تاریخ ادبیات اسلامی جلوه گر کرد.

تاریخ ابن عربشاه به نثری مسجع و شیوا و پراز مطالب تاریخی تألیف گردید. ابن عربشاه نویسنده و شاعری بود که بانثر جاندار خود کتاب تاریخ خود را بنام «عجایب المقذور» تهیه و تألیف کرد! وی بیش از هر چیز مورخ چیره دستی بشمار میرفت، چون بسیار میل داشت داستان تاریخی را با اسلوب مسجع بپردازد این سنت را در عبارت تاریخی پدید آورد! گاهی هم بعضی از جمله‌های او باندازه‌ای نارساست که خواننده کتاب را بخنداند می‌اندازد؟

ابن عربشاه از عهده تألیف کتاب تاریخ تیموری خوب برآمد، تا کنون تاریخ وی مهم‌ترین مرجع تاریخ تیموری می‌باشد.

ابن عربشاه خودش اسناد و مدارکی که مورد اطمینانش بود فراهم و جمع‌آوری کرد! با نفوزی که در اجتماع‌های گوناگون، منصب و مقام‌های مختلف و رسمی داشت توانست نتیجه مطالعات و دقت خود را بصورت کتابی در تاریخ تیموری تألیف کند، او در هفتصد و نود و سه هجری در دمشق متولد شد.

در هنگامی که دمشق در بحرانی‌ترین روزها بسر می‌برد! فاتح تاتار باوج عزت خود رسیده بود، در آن هنگامه مورخ اسلامی سن چهارده سالگی را می‌بیمود! فاتح تاتاری مانند سیلی خروشان بنزدیک شام رسید! از هیچ‌گونه ویرانی، خرابی فروگذار نکرده بود، خاندان این تاریخ نگار ناچار شد که با ناتولی یا کشور روم که در آن زمان بایزید اول سلطان عثمانی پادشاه آن بود رهسپار گردد تا شاهد نکبت و خرابی‌هایی که بدستور تیمور انجام میشد نباشد!!

هنگامیکه تیمور وفات کرد خاندان ابن عربشاه بترکستان رهسپار گردید و در سمرقند ماند.

ابن عربشاه نزد بزرگان آن شهر سرگرم تحصیل شد، زبان ترکی و فارسی را بیاموخت، ترکستان در آن زمان در زیر نظر خلیل سلطان نواده تیمور بود. سمرقند پایتخت امپراطوری فاتح تاتار همیشه بیاد فتح‌ها و جهانگیری تیمور بود! در چنین محیطی که پراز یاد کارهای تیموری بود مورخ اسلامی مدتی بسر برد میتوان گفت از همان زمان در اندیشه تألیف تاریخی درباره عصر تیموری افتاد! گرچه پس از مدت زیادی آغاز

تألیف تاریخ خود را نمود. مورخ اسلامی از دربار تیموری حرکت نکرد تا آنکه تمام حادثه‌ها، فتح‌ها، شرح زندگانی تیمور را بخاطر سپرد پس از آنکه بکشور روم وارد گشت با سلطان محمد اول پسر سلطان بایزید اول که شهید جیوروستم امیر تیمور شده بود پیوند کرد و بسمت ریاست دیوان انشاء دربار عثمانی منصوب گردید!! چه زبان‌های فارسی و ترکی و عربی را خوب آموخته بود، متصدی نوشته‌های سلطان عثمانی گردید نامه‌هایی که سلطان با همسایگان و امیران خود داشت باو بر گذار شد!

از این جهت مورخ بزرگ اسلامی ابن عرب‌شاه توانست اجتماع‌ها، انقلاب‌ها، هائی که بادست تیمور سرنگون یا ایجاد می‌شد از نزدیک ببیند! درنمایشگاه جهان‌چگونه تیمور بازی کرد؟! توانست با اسناد و مدارک تاریخی نزدیک شود!! از بزرگان، معاصران خود داستانها را بشنود! با خاندان‌هایی که حادثه‌ها، اتفاق‌ها در سرنوشت آنان بازی کرده بود پیوستگی پیدا کند!

از این سبب کتاب عجایب المقدور از نفیس‌ترین سندها و مدارک تاریخی دوره تیموری است که ابن عرب‌شاه تألیف نمود. اگرچه همه آن کتاب مورد توجه و دقت نیست ولی روی هم‌رفته کتاب بسیار گرانبهائی است و از آثار جاودانی تاریخی بشمار میرود. این کتاب را ابن عرب‌شاه از سال هشتصد و چهل بتألیف آغاز کرد، بدو از دربار عثمانی کناره‌گیری نمود، بحث و درس را کنار گذاشت، در حدود پنجاه سالگی علوم و فنون ادب را بحد کمال دارا شد. آشنا بدقت‌های سیاست زمان خود گردید! بتدوین و تألیف جنگ‌های فاتح بزرگ اقدام کرد، آنچه از پیرمردان و زنان دیده و شنیده بود با دقت تاریخی تجزیه و تحلیل نمود و بروش حماسی و جوانمردانه بنگارش کتاب خود پرداخت! در آغاز کتاب تاریخ با کینه و بغض شدیدی نسبت به تیمور چنین نوشته است:

از شکفتی‌های حوادث روزگار داستانهای تیمور است!! بلکه از آفت‌های بزرگ بشمار میرفت!! رئیس‌تبه‌کاران تیمور لنگ جانی بود!! با پای لنگ خود فتنه‌ها در شرق و غرب ایجاد کرد!

اقبال دنیا باو روی آورد! کوشش‌ها کرد تا در عرصه زمین نسل کشاورزی

را از میان بردارد!!

پس از آنکه ادیم زمین را از کثافت کاری های خود با شمشیر طغیان آبیاری کرد!! جامعه بشری را پراکنده ساخت عملیات نجس خود را بیشتر ثابت نمود من میخواهم آنچه رادیده و شنیده ایم در اینجا نقل نمایم ، زیرا یکی از داستانهای بزرگ مادر شگفتی های روزگار بشمار می رود!

باین سبک نگارش این مورخ بزرگ نباید وحشت نمائیم! چه ابن عربشاه به نکبت ها ، بدبختی ها ، دربدریها ، بلاهائی که تیمور در میهن وی انداخت آشنا بود!! زندگانی خود را از ترس و جور و ستم او بندبدری گذرانید!! دید این فاتح بجهزشتی ها شهریاران را گرفتار کرد!! اینها تولید کینه و بغض در مورخ بزرگ نمود. در آغاز تألیف تاریخی خود نتوانست از بروز نفرت و از جار نسبت به تیمور خودداری کند!! این خصوصیات او را از مقام يك مورخ بزرگ و محقق پائین نمی آورد!! ابن عربشاه کتاب خود را بصورت داستان نوشته است، از جملات و مقتضیات سجع بیرون نشده در همان حال مطلبها را ناقص نگذاشت! از ابراز تعجب نسبت بقتوحات و دقت و مهارت نظامی تیمور لنگ خودداری ننمود؟ فصل مخصوص در تحلیل موهبت ها و صفت های بدیع تیمور اختصاص داد!!

ابن عربشاه شرح زندگانی تیمور را بروایتی که شنید ، چگونه بروز و ظهور کرد آغاز نمود! شبیه بافسانه ای است در قالب داستانهای شعری! داستان دلکشی برشته نگارش در آورده میگوید: تیمور در سجستان بنزدی پرداخته بود!! تیری پبای وی خورده لنگ شد!!

پس از آن درباره اقبال ابن جوان پرشور می پردازد!!

زهبرا انقلاب در اقلیم ترکستان بود! تا اینکه پیشوای هنرمندی گشت سپس فاتح و پادشاه آن کشور میشود!! مورخها وصف می نمایند که چگونه مانند سیلی سهمناک از سمرقند بکشور شام و بملت های اسلامی صدمه وارد ساخت!! توجه و دقت بسیار در جنگ های تیموری در کشور سوریه می کند که چگونه خوریزی و خرابی وارد ساخت!! با علماء و دانشمندان برخورد نمود!! با آنان چگونه به جدال فقهی پرداخت!!

در ملاقات ابن خلدون مورخ و فیلسوف مشهور با تیمور نوشته است در کنار دیوار شهر دمشق باوبر خورد کرد!! میگوید :

« اومذهب و قیافه مخصوصی داشت! بروش خاصی روایت نمود! علماء باعمامه‌ها و هیئت‌های ظریفی در برابر وی ایستادند! میباشنیدن گفتار و کردار او شدند!! هنگامی که باو وارد شدند باحالت ترس در برابر او ایستادند!! تا آنکه تیمور اجازه نشستن دهد؟! بعد از آن نگاه تندى بآنان کرد! خندان از برابرشان گذشت! ابن خلدون متوجه تیمور شد در آن هنگام تیمور متوجه او شده بود بیشتر بوی نگریست!! ابن خلدون گفت شکر گذار خداوند بزرگ و عظیم هستم مشرف بحضور شهریار شدم، تاریخ مرده را زنده ساختم!! روزگار مغرب و مشرق را دیدم!!

باهر امیر و نایب امیر آمیزش پیدا کردم پروردگار بمن منت نهاد تا این زمان را دیدم!! شکر خداوند که زنده ماندم پادشاه حقیقی را دیدم که سلطنتش موافق مسلك شریعت است!! خوراک شهریار را برای دفع تلف شدن می‌خورند بنا بر این خوراک سلطان موجب فخر و شرف است!!

تیمور باهتزاز درآمد! در شکفت شد!! بترنم درآمد! از همه منصرف گشت!! متوجه ابن خلدون شد! از شهریاران عرب. اخبار روزگار: دولت‌های اسلامی و آثار آنان جو یا کردید؟! ۱

ابن عربشام در بخش تاریخ تیموری در کشور آنا تولی داد سخن داد! به چه مصیبت‌ها و بلاها گرفتار شد!

ابن عربشاه در ماوراء النهر در نزد سید محمد جرجانی و ابن جزری که در

۱- نگاه کنید به کتاب زندگانی و فلسفه سیاسی و اجتماعی سید جمال الدین افغانی و فصل ابن خلدون در دمشق، تألیف مرتضی مدرسی چهاردهمی چاپ دوم از انتشارات مجله ماه نو.